

# فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال دوم، زمستان ۱۴۰۱

شماره هفتم

- واکاوی فقهی قصاص انواع کافر (سید محمد حسینی دره صوفی)
- بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد (داود عطایی)
- مجازات شروع به جرم از منظر قوانین موضوعه ایران و افغانستان (قربانعلی مبلغ)
- عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مطهری (سبحان دانش)
- تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت شرط فعل در قراردادهای الکترونیکی (سید حسن مبارز)
- جهل و عواقب آن در قرآن (ابراهیم افتخاری)
- مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش (سید رضی قادری)

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.



سال دوم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۷

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر

سید محمد حسینی دره صوفی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که در جوامع بشری از بدو خلقت بشر، تاکنون وجود داشته است، قتل انسانها به دست هموعانشان بوده است. دین اسلام در این مورد کاملترین قوانین را که به صلاح جامعه بشری است وضع نموده است و یکی از همین دستورات قصاص در برابر قتل عمدی است، که فلسفه‌ای آن را نیز حمایت از آحاد جامعه دانسته است. در همین راستا چنانچه مسلمان و غیر مسلمان دست به قتل عمدی همدیگر بزنند، چهل و نه صورت پدید می‌آید، که در این تحقیق به بررسی حکم فقهی و حقوقی تک تک آنها از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و مذهب حنفی پرداخته شده است. در صورتی که مسلمان غیر مسلمان ذمی را عمدا بکشد، در مورد قصاص یا عدم قصاص آن در میان فقهای اهل بیت سه نظریه مهم مطرح است: ۱. عدم قصاص مطلقاً. ۲. قصاص مطلقاً. ۳. در صورتی که مسلمان به قتل کافر ذمی معتاد شده باشد قصاص می‌شود. بعد از بررسی هر یک، به نقد ادله آنها پرداخته شده و سپس نظریه علمای حنفی که قائل به قصاص است و تساوی در دین را شرط نمی‌دانند بررسی شده است. در نهایت، قویترین نظریه که «قصاص مسلمان در برابر ذمی» می‌باشد، برگزیده می‌شود.

### واژگان کلیدی

قصاص / فقه اهل بیت / فقه حنفی / قصاص کافر / قصاص مسلمان / قصاص ذمی

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم. [daraisuf@gmail.com](mailto:daraisuf@gmail.com)

## ۱. مقدمه

هرچند عنوان تحقیق بررسی حقوقی و تطبیقی مسئله در حقوق ایران و افغانستان است؛ اما ناگزیر بحث فقهی مطرح می‌شود زیرا بحث قصاص در حقوق جزای افغانستان مکتوب نشده و قانون‌گذار در اجرای قصاص به فقه حنفی ارجاع داده شده است، در همین راستا در ماده ۱ قانون مجازات افغانستان مقرر شد است که: «این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیات مطابق حکم فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد» بنابراین تمام مقررات و شرایط مربوط به اثبات قتل عمد، موجب قصاص و شیوه اجرای آن را به فقه حنفی واگذار کرده است (قانون جزایی افغانستان، ماده ۱).

از طرفی قانون‌گذار بعد از اثبات قصاص به تنهای نمی‌تواند حکم را اجرا کند بلکه مطابق ماده ۱۲۹ قانون اساسی افغانستان، حکم قصاص باید به تایید ریاست جمهوری برسد همچنین با توجه به این که عمده منابع حقوق شیعه کتابهای فقهی است مراجعه نویسنده به این کتب را ناگزیر می‌سازد.

### ۱-۱. ضرورت تحقیق

ادیان الهی هرکدام مکمل دین قبلی بوده است و در بسیاری از موارد همان دستورات قبلی ابقاء شده است، اسلام اجباری در انتخاب دین نمی‌بیند، و همواره به زندگی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان توصیه نموده است.

بررسی حکم قصاص مسلمان و غیر مسلمان همواره مورد نیاز جامعه اسلامی بوده است تا حق مظلومی ضایع نشده و مهمترین شعار اسلام که تامین عدالت اجتماعی است عملی شود.

### ۱-۲. پیشینه‌ی تحقیق

در کتب فقهی از قدیم بابی تحت عنوان قصاص آورده شده است و کتابهای مستقلی نیز در این مورد نگاشته شده، اما با تتبع نویسنده، هیچ کدام به بررسی تمام صور مسئله نپرداخته‌اند، این تحقیق سعی دارد تا حکم جامع و تفصیلی از موضوع را در صورگوناگون آن در اختیار مخاطبین قرار دهد.

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۹

### ۳-۱. سؤال اصلی

آیا مسلمان در مقابل قتل ذمی قصاص می‌شود؟

سوالات فرعی

دیدگاه فقهای شیعه در مورد قصاص مسلمان در برابر کافر چیست؟

فقه حنفی چه رویکردی در مورد قصاص مسلمان به خاطر قتل کافر اتخاذ نموده است؟

حکم قتل عمدی هریک از مسلمان و غیر مسلمان در برابر همدیگر چیست؟

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای است.

### ۴-۱. فرضیه

مسلمان در برابر ذمی قصاص می‌شود

## ۲. چهار چوب نظری

### ۱-۲. کفر

در لغت به معنای پوشاندن است، پوشاندن نعمتهای الهی که به انسان ارزانی شده است (رازی، ۱۴۰۴، ۱/۴۱).

در اصطلاح عبارت است از انکار یکی از اصول دین (توحید، عدل، نبوت، معاد) و یابیکی از ضروریات آن، مثل انکار نماز و... که منتهی به انکار یکی از اصول دین شود (طبرسی، ۱/۱۲۶ و ۱۲۷).

بنابراین سه چیز می‌تواند باعث خروج از دین اسلام گردد:

۱. انکار مسائل اعتقادی

۲. منکر شدن فروع دین در صورتی که باعث انکار نبوت پیامبر اسلام شود

۳. عملی که باعث توهین به خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آئمه معصومین

علیهم السلام گردد.

## ۲-۲. قصاص

قصاص در لغت به معنای پیروی کردن و در اصطلاح به استیفای جنایت اعم از قتل و جرح اطلاق می‌شود (حانزی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۱۸۱).

## ۲-۳. ارتداد

در اصطلاح فقها و متکلمان اسلامی، ارتداد به معنای بازگشت فرد مسلمان از دین اسلام و پذیرش دینی دیگر است. بنا به تعریف امام خمینی رحمه الله:

«المرتدّ هو من خرج عن الإسلام و اختار الكفر» (تحریر الوسیله، بی تا، ص ۶۶۳).

«مرتد کسی است که از اسلام خارج شود و کفر را برگزیند».

و بنا به تعریف ابن قدامه از فقهای اهل سنت:

«المرتدّ هو الراجع عن دین الإسلام إلى الكفر» (مغنی ابن قدامه، بی تا، ص ۴۷).

«مرتد کسی است که از دین اسلام به کفر باز گردد».

## ۳. اقسام کافر

### ۳-۱. مرتد فطری

به کسی اطلاق می‌شود که یکی از پدر و مادرش یا هر دو، هنگام انعقاد نطفه مسلمان باشند و بعد از بلوغ ابتدا اسلام را پذیرفته و سپس از دین برگردد (محمد جواد مغنیه، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۶، ص: ۲۹۹).

### ۳-۲. مرتد ملی

به فردی گفته می‌شود که از پدر و مادر کافر به دینا آمده باشد، و بعد از پذیرش اسلام در سن بلوغ، از آن خارج شود (هاشمی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۲۱۳؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۲۰۴).

### ۳-۳. کافر حربی

به فردی اطلاق می‌شود که یهودی، مسیحی و مجوسی نباشد، چه به خدایی دیگری چون ستارگان، خورشید و بت معتقد باشد یا اینکه مادیگرا باشد (حلی، ج ۱، ۴۸۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۶۲).



## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۱۱

### ۳-۴. کافر ذمی

به کافر کتابی (یهودی، مسیحی، مجوسی) با رعایت شش شرط ذمی اطلاق می‌شود (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۷۷؛ عاملی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۶۳۶).

### ۳-۵. کافر معاهد

کافری که در کشور خود زندگی می‌کند ولی با کشور اسلامی قرار داد صلح دارد که به موجب آن جان، مال و ناموسشان در امان می‌باشند و با داخل شدن به کشور اسلامی باید حقوقشان رعایت شود (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، بی تا، ج ۳۷، ص: ۲۱۹).

### ۳-۶. کافر مستأمن

کسی که از دولت اسلامی بدون پرداخت جزیه، درخواست امان نماید و کشور اسلامی هم بپذیرد، از آن پس با ورود به قلمرو اسلام در امان می‌باشد (پیشین).

### ۳-۷. کافر در حکم مستأمن

فردی که با دولت اسلامی نه قرارداد صلح بسته است و نه قرار داد تجارت ولی یا تابعیت کشور اسلامی را اخذ کرده است، و یا اینکه ویزای کشور اسلامی را دریافت نموده و در امان می‌باشد.

شیخ طوسی معتقد است که کافر معاهد و مستأمن به یک معناست و به کسی گفته می‌شود که برای گرفتن امان داخل کشور اسلامی شده است و قصد ماندن دائمی را ندارد. رهبر مشروع جامعه اسلامی می‌تواند او را برای کمتر از یک سال بدون عوض یا با عوض پناه دهد، ولی برای بیش از یکسال باید از او عوض بگیرد (طوسی، ۱۳۸۷ ج ۲، ص ۴۳).

## ۴. بررسی تفصیلی قصاص نفس انواع کافر

یکی از شرائط قصاص، تساوی قاتل و مقتول در دین است؛ بنابراین اگر مسلمانی یکی از انواع کافر را بکشد، در این که قصاص خواهد شد یا نه؟ میان علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اختلاف است که به بررسی آن می‌پردازیم:

#### ۴-۱. علمای شیعه

فقهای شیعه در مورد قصاص مسلمان در برابر کافر سه نظر متفاوت از هم ارائه نموده‌اند:

#### ۴-۱-۱. عدم قصاص

اگر مسلمانی از روی عمد کافری را بکشد اعم از این که محارب باشد یا غیر محارب قصاص نمی‌شود (شعرانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۷۶۵).

در رأس این نظریه مرحوم ابن ادریس حلی قرار دارد، وی در این زمینه می‌فرماید: «انّه لا یقتل المسلم به [ای بالكافر]، سواء اعتاد أم لا» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۳ ص ۳۵۲)؛ مسلمان در برابر کافر کشته نمی‌شود چه معتاد به قتل کافر باشد یا نباشد

#### ۴-۱-۲. ادله‌ی دسته اول

#### ۴-۱-۲-۱. قرآن کریم

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (نساء، ۱۴۱).  
باتوجه به قاعده سلطنت که برگرفته از این آیه‌ی قرآن کریم است می‌توان فهمید که قصاص مسلمان در برابر کافر نوعی ضعف در برابر آنان است و هر گونه ضعف نشان دادن در برابر کفار، از دیدگاه اسلام مردود می‌باشد.

#### ۴-۱-۲-۲. روایات

۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: اگر من مسلمان قاتل را در برابر کافر می‌کشتم، قطعاً «حراش» را در برابر «هذلی» می‌کشتم (طباطبایی بروجری، ترجمه حسینیان قمی، ۱۴۲۹، ج ۳۱، ص ۲۳۵)

از این حدیث استفاده می‌شود که حضرت به عدم قتل مسلمان در برابر کافر عنایت دارد زیرا در زمان فتح مکه مسلمان به نام حراش، کافری از قبیله‌ی هزلی را کشت و حضرت اقدام به قصاص مسلمان در قبال کافر نکرد.

---

۱. در فتح مکه مسلمانی کافری را کشته بود که مسلمان قصاص نشد.

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۱۳

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله که: «مؤمن، در برابر کافر کشته نمی شود.» (پیشین).  
از این حدیث نیز به صراحت عدم قصاص مسلمان در برابر کافر استفاده می شود.

۳. روایة محمد بن قیس عن الباقر علیه السلام قال: لا یقاد مسلم بدمی فی القتل ولا فی الجراحات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۰).

محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام روایت کرده که مسلمان در برابر ذمی قصاص نمی شود نه در نفس و نه در جراحات.

باتوجه به عمومیت و شمول این روایت و عدم تفصیل بین اعتیاد و غیر اعتیاد می توان حکم به عدم قصاص مسلمان در برابر کافر را احراز کرد، همانگونه که مرحوم ابن ادریس به چنین اعتقادی رسیده است.

۲. دسته ی دوم براین باورند که اگر مسلمان به قتل کافر عادت کرده باشد باید قصاص شود و الا قصاص نمی شود (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۲۴۰).

درهمین مورد سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) فرموده است:  
لو كان معتادا علی القتل، فإنه یقتل بقتله الكافر (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص: ۲۶۴)  
اگر مسلمان، عادت به قتل کافر کرده باشد، باید کشته شود  
اما این که قتلش از باب قصاص است یا از باب حد اختلافی است و ثمره اش این است که  
اگر حد باشد

اولا: قابل بخشش نیست.

ثانیا: به ورثه مقتول منتقل نمی شود.

ثالثا: ولی دم، حق مطالبه ندارد.

برخلاف قصاص که هر سه ثمره برعکس می شود. (پیشین).

۳-۱-۴. ادله دسته دوم

۱-۳-۱-۴. اجماع علمای شیعه

که در کتابهای خلاف، غنیه، سرائر، کشف الحق، ایضاح، مهذب البارع، مسالک،

مفاتیح، وملاذ الاخبار حکایت شده است همچنین در کتابهای چون تنقیح ومجمع البرهان ادعای عدم خلاف شده است بر عدم قصاص مسلم غیر معتاد؛ بلکه تعزیر می شود، اگر مقتول، ذمی، معاهد و یا مستأمن باشد (حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۸).

اما اگر معتاد بر قتل کافر شده باشد<sup>۱</sup> با رد فاضل دیه قصاص می شود<sup>۲</sup> به دلیل اجماعی که انتصار، غایة المراد و روضه حکایت شده است، همچنین به خاطر نفی خلافی که از ظاهر کتابهای چون غنیه ومهذب به دست می آید (خمینی، بی تا؛ ج ۲، ص: ۵۱۹)

#### ۴-۳-۲. روایات معتبره

- روایاتی که قتل ذمی توسط مسلمان را موجب قصاص نمی داند

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: «مسلمان در برابر ذمی در مورد قتل و جراحتها قصاص نمی شود؛ ولی از مسلمان بر پایه دیه ذمی که هشتصد درهم است، دیه گرفته می شود.» (منابع فقه شیعه، ۱۴۲۹، ج ۳۱، ص ۲۳۱)

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مؤمن و معاهد در زمان معاهده اش، در برابر کافر کشته نمی شود» (پیشین).

- روایاتی که قتل ذمی را در صورت اعتیاد به قتل موجب قصاص می داند

۱. اسماعیل بن فضل گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره خون مجوس، یهود و مسیحی پرسیدم که:

آیا بر کسی که آنان را بکشد، در صورتی که اینان به مسلمانان خیانت کنند و دشمنی با آنان را آشکار سازند، چیزی هست؟ حضرت فرمود: نه؛ مگر اینکه آن شخص به کشتن اینان عادت کرده باشد (پیشین).

۲. اسماعیل گوید: و از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: آیا مسلمان در برابر اهل

---

۱. مرجع اعتیاد به قتل کافر، عرف است ممکن است با دوبار اعتیاد صدق کند ولی با رسوم عرفا معتاد محسوب می شود.

۲. عده ی معتقدند که قتل او از باب حد است نه قصاص، ولی مرحوم امام خمینی رحمه الله، قائل به قصاص است (تحریر الوسيلة؛ ج ۲، ص: ۵۱۹)

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۱۵

ذمه و اهل کتاب اگر آنان را بکشند، کشته می‌شود؟ حضرت فرمود: نه، مگر اینکه به کشتن اینان عادت کرده باشد و از کشتن اینان دست نکشد که در این صورت با خواری کشته می‌شود» (پیشین).

۳. اسماعیل بن فضل گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی، مردی از اهل ذمه را کشته است.

حضرت فرمود: در برابر ذمی کشته نمی‌شود؛ مگر اینکه به قتل عادت کرده باشد» (پیشین). از بررسی مجموع این روایات قول به تفصیل استخراج می‌شود، مبنی بر اینکه اگر قاتل مسلمان عادت به قتل ذمی نداشته باشد، قصاص نمی‌شود و الا قصاص ثابت است.

### ۴-۱-۴. ادله دسته‌ی سوم

این دسته را باور بر این است که مسلمان در برابر کافر ذمی قصاص می‌شود مطلقاً؛ شیخ صدوق رحمه الله معتقد به مساوی بودن مسلمان و ذمی در قصاص است مطلقاً؛ بنابراین اگر مسلمانی ذمی را بکشد، وراثت کافر می‌تواند با پرداخت فاضل دیه‌ی مسلمان، وی را قصاص نمایند. هر چند مسلمان با قتل محارب قصاص نمی‌شود و إذا قطع المسلم ید المعاهد خیر أولیاء المعاهد، فان شاءوا أخذوا دية یده، وإن شاءوا قطعوا ید المسلم و أدوا إليه فضل ما بین الدیتین، و إذا قتله المسلم صنع كذلك (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۵۳۴).

اگر مسلمانی دست کافر معاهد را قطع کند، اولیای وی می‌توانند دیه دریافت نمایند یا اینکه با پرداخت فاضل دیه، اقدام به قصاص نموده و دست مسلمان را قطع نمایند. هر چند این فراز از کلمات شیخ در مورد کافر معاهد است ولی بر منبای وحدت ملاک، می‌توان حکم مطلق کافر غیر محارب را از آن نتیجه گرفت.

شیخ به ادله ذیل استناد نموده است:

الف) آیات قرآن کریم

- كِتَابٌ عَلَيْكُمْ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأَنْثَىٰ (بقره، ۱۷۸).

در این آیه بین مسلمان و کافر تفصیل داده نشده است و از طرفی دلیل داریم که کفار در فروع دین با مسلمانان مشترک است، مثل روزه گرفتن و...؛ پس این آیه شامل کافر هم می‌شود

و کافر ذمی در اولویت است.

- وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ (مانده، ۴۵)

این آیه نیز به همان بیان که در آیه قبل عرض شد، شامل کافر می شود.

(ب) روایات

- إذا قتل المسلم النصرانی ثم أراد أهله أن یقتلوه قتلوه و أدوا فضل ما بین الدیتین (کلینی،

همان، ج ۷، ص ۳۱۰).

اگر مسلمانی فردی مسیحی مسلک را بکشد، و وراثت مقتول خواهان قصاص باشند، می توانند با رد فاضل دیه، اقدام به قصاص مسلمان نمایند

- عن الصادق علیه السلام: «إذا قتل المسلم یهودياً أو نصرانیاً أو مجوسياً و أرادوا أن یقیدوا

ردوا فضل دية المسلم و أقادوا به» (کلینی، همان، ج ۷، ص ۳۰۹).

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مسلمان، یهودی یا مسیحی یا مجوسی را بکشد و

آنان بخواهند که قصاص کنند، باید که فزونی دیه مسلمان را برگردانند و قصاص کنند.»

- سماعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده درباره مرد مسلمانی که مردی از اهل

ذمه را می کشد، امام فرمود: «این، حدیث سختی است که مردم تاب تحمل آن را ندارند

ولی ذمی، دیه مسلمان را می پردازد و سپس در برابر ذمی، مسلمان کشته می شود» (پیشین)

شیخ صدوق با توجه به این روایات، حکم به قصاص مسلمان در برابر کافر ذمی داده

است.

## ۵. بررسی ادله علمایی شیعه

### ۵-۲. نقد دیدگاه ابن ادریس

مرحوم ابن ادریس برای ادعایی خود مبنی بر عدم قصاص مسلمان در برابر کافر حتی در

فرض اعتیاد به آیه نفی سبیل استدلال نموده است؛ اما این آیه نمی تواند مدعایی وی را

ثابت کند به چند دلیل:

۱. مفسران در دلالت آیه بر مقصود ابن ادریس اختلاف کرده اند و عده ای معتقدند که این

آیه مربوط به عالم آخرت است؛ زیرا بر جمله قبلی «فالله یحکم یوم القیامه» عطف شده

است (شیخ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۴) و معنایش این است که در روز قیامت خداوند بر علیه

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۱۷

کفار و به نفع مومنین حکم می‌کند (طباطبانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۵-۱۸۴)

۲. عدم سلطه‌ی کافر بر مسلمان در صورتی است که مسلمان دست به ظلم و بی عدالت نزند و کشتن اهل ذمه ظلم است و ظلم شرعا و عقلا حرام می‌باشد و ظالم هرکسی که باشد باید مجازات شود، و عدم مجازات مسلمان ظالم با دستورات دین مبین اسلام منافات دارد.

۳. نفی سبیل به این معنای که ابن ادریس ادعا کرده است با دیگر ادله منافات دارد، اگر این حرف درست باشد باید در فرض مسئله مسلمان به کافر ذمی دیه هم نباید بپردازد، در حالی که فقها منکر پرداخت دیه نمی‌باشد، چه فرق است بین قصاص و دیه که در یکی حکم به نفی بدهیم و در دیگری حکم به اثبات در حالیکه طبق ادعای شما در هر دو صورت با قاعده نفی سلطه‌ی کافر بر مسلمان منافات دارد، زیرا پرداخت دیه به کافر نیز ناقض این قاعده است.

۴. این دلیل اخص از مدعاست و شامل جایی که ولی دم کافر، مسلمان باشد نمی‌شود.

ب) استناد به روایات برای اثبات عدم قصاص مسلمان در برابر کافر

این روایات با روایات دیگری که مطلقا قصاص را ثابت می‌دانند، یا روایاتی که بین اعتیاد و عدم اعتیاد تفصیل داده‌اند، تعارض دارند و نمی‌توانند مثبت عدم قصاص باشند. پس نظریه عدم قصاص به طور مطلق، قابل قبول نیست.

### ۳-۵. نقد نظریه تفصیل

طرفداران قول به تفصیل بین اعتیاد و عدم اعتیاد به چند دلیل استناد جستند:

#### ۱-۳-۵. اجماع

برای اثبات نظریه خود ادعای اجماع کردند، ولی این اجماع

اولا: با مخالفت افراد چون ابن ادریس و شیخ صدوق و... شکسته می‌شود

ثانیا: بر فرض قبول چنین اجماعی، یا مدرکی است و یا احتمال مدرکی بودن می‌رود، مستندات قانونی چنین اجماعی یا بر دلالت بر مدعایشان ضعیف است و یا با ادله دیگر تعارض دارد؛ پس نمی‌تواند مثبت مدعای فوق باشد.

۵-۳-۲. روایات

قائلین به تفصیل به دو دسته روایات استدلال نمودند:  
دسته اول روایاتی بود که قصاص مسلمان در برابر کافر را جایز نمی دانست.  
دسته دوم روایاتی که در صورت اعتیاد مسلمان به قتل کافر، به شرط رد فاضل دیه، به جواز قصاص مسلمان حکم کرده اند.  
اما هر دو دسته روایات با احادیث دیگری که مطلقاً حکم به جواز داده اند، متعارضند و مرجحی نیز وجود ندارد، پس قابل استناد نمی باشند.  
بررسی ادله قول به جواز قصاص  
تا به حال دو قول (عدم جواز قصاص مطلقاً و قول به تفصیل) بررسی و تضعیف شد اینک به بررسی ادله قول سوم می پردازیم  
شیخ صدوق مدعی شد که قصاص مسلمان در برابر ذمی مطلقاً جایز است چه معتاد به قتل ذمی باشد یا نباشد  
برای ادعای خود ادله‌ی از قرآن و روایات ذکر کرد، ظهور آیات قرآن کریم بر مدعای فوق روشن است زیرا تفصیلی داده نشده است و از طرفی قرائنی بر شمول و عمومیت آن، که کافر را هم شامل شود وجود دارد که در بخش مربوطه بررسی و ثابت شد.  
اما روایات که در این زمینه برای اثبات جواز مطلق قصاص ذکر شده است، با روایات دیگر تعارض دارد؛ بنابراین باید بررسی کنیم که آیا این دسته از احادیثی که شیخ صدوق برای اثبات ادعای خود بدانها تمسک بسته است مرجحی دارد یا خیر؟  
بعد از بررسی دقیق تر به این نتیجه می رسیم که خوشبختانه این روایات از دو جهت بر روایات دیگر وارد در این باب ترجیح داده شده است:

۱. از حیث دلالت:

این روایات موافق با ظاهر آیات قرآن کریم است: «كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى» (بقره، ۱۷۸) و «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» (مانده، ۴۵)، این آیات مطلق است و شامل کافر نیز می شود؛ چون اولاً، کفار در فروع دین با مسلمانان شریکند؛ ثانیاً، تمام احکام شرایع گذشته در دین اسلام هم وجود دارد مگر اینکه



## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۱۹

یقین به نسخ آنها داشته باشیم و چنین دلیلی در این موضوع وجود ندارد.

۲. از حیث صدور:

سماعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده دربارهٔ مرد مسلمانی که مردی از اهل ذمه را می‌کشد، امام فرمود: «این، حدیث سختی است که مردم تاب تحمل آن را ندارند ولی ذمی، دیهٔ مسلمان را می‌پردازد و سپس در برابر ذمی، مسلمان کشته می‌شود.

از این روایت می‌توان استفاده کرد که حکم واقعی در این موضوع، قصاص است، و حکم به عدم قصاص یا تفصیل، از روی تقیه صادر شده است؛ زیرا در آن زمان اکثر اهل سنت قصاص مسلمان در برابر کافر را قبول نداشتند، به همین خاطر امام می‌فرماید: "این کار سختی است زیرا مردم آن را تحمل نمی‌کنند".

همه‌ای این بحث در باره کافر ذمی بود؛ اما اگر مسلمانی کافر حربی را بکشد، در عدم قصاص مسلمان به خاطر قتل حربی اختلافی نیست.

### ۴-۵. علمای حنفی مذهب

فقهای حنفی بین کفار در ذمی و غیر ذمی فرق گذاشته اند

در مورد کافر ذمی تساوی در دین را شرط نمی‌دانند؛ بنابراین اگر مسلمانی کافر ذمی را بکشد باید قصاص شود (کاسانی، ۱۴۲۰ه، ج ۸، ص ۷۴)

ابوبکر سرخسی در این زمینه آورده است: لوقتل المسلم الذمی عمدا فعليه القصاص عندنا (سرخسی، ۱۴۲۲ه، ج ۹، ص ۱۳۵).

اما اگر کافر محارب، مستأمن و معاهد را بکشد، قصاص نمی‌شود (مجمع الانهر، ج ۸، ص ۴۱۵).

جصاص آورده است که:

ابی حنیفه، ابویوسف، ابن لیلی، محمد، زفر و عثمان البتی قائل شده‌اند به اینکه: مسلمان در برابر ذمی قصاص می‌شود (جصاص، بیتا، ج ۱، ص ۱۷۳).

دلایل‌های جواز قصاص مسلمان، در برابر ذمی

آیات قرآن کریم

- کتب علیکم القصاص فی القتل (نساء/۹۲).

این آیه اطلاق دارد و مقید به مسلمانان نشد است و لذا کافر ذمی را نیز شامل می‌شود. هر چند کافر اعم است؛ اما روایات وجود دارد که سائر اقسام کافر را خارج می‌کند. - وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس (مانده، ۴۵).

این آیه شریفه نیز عمومیت دارد، طبق بیان سابق کافر ذمی را شامل می‌شود - و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا (اسراء، ۳۳).

در این آیات نفسی با نفسی دیگر، مقتولی با مقتولی دیگر و مظلومی با مظلومی دیگر، فرقی نهاده نشده است و قائلین به تخصیص این عمومات، دلیلی محکمی ندارند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۷۶-۷۷).

حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)

مَارُوی أَنَّا لَنَبِیِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَتَلَ مُسْلِمًا بِذِمَّتِي (ابن همام حنفی، ۱۴۱۴ هـ، ۱۸۶/۲۳).

روایت شده است که پیامبر اکرم مسلمان را به خاطر قتل ذمی قصاص نموده است. پس سیره رسول اکرم همین بوده و باید عمل شود.

قاعده عصمت «دار»

«وَلَوْ أَنَّا لَقِصَّاصَ يَعْتَمِدُ الْمَسَاوَاةَ فِي الْعِصْمَةِ وَهِيَ بِالْدِّينِ وَبِالدَّارِ وَيَسْتَوِيَانِ فِيهِمَا» (همان).

همان).

اعتبار اصل مساوات در عصمت است و عصمت در «خانه» و «دین» است، کافر ذمی گرچه در دین با مسلم یکی نیست؛ اما بخشی از عصمت را که «دار» باشد داراست. پس خونس مثل خون مسلمان محترم است و اگر توسط مسلمانی کشته شود، قاتل قصاص می‌شود.

در تایید این دلیل روایتی را از مولا امیر المومنین علیه السلام نقل کرده‌اند که حضرت

فرمود:

«إِنَّمَا أُعْطُوا الْجِزْيَةَ لِتَكُونَ أَمْوَالُهُمْ كَأَمْوَالِنَا وَدِمَاؤُهُمْ كَدِمَائِنَا» (در الاحکام، ج ۵، ص ۴۱۹).

کفار ذمی جزیه می‌پردازند تا اموال و خونسشان؛ مثل اموال و خون مسلمان محترم باشد. حال اگر قاتل ذمی قصاص نشود، نقض غرض لازم می‌آید.

با بررسی مجموع این ادله حکم به قصاص مسلمان در برابر ذمی نموده‌اند.

## ۶. بررسی تفصیلی شقوق مختلف قصاص کافر

اینکه به شرح تفصیلی قصاص هر یک پرداخته میشود

### ۱-۶. قتل مرتد توسط مسلمان

بسیاری از فقهای اهل بیت عدم قصاص را قطعی دانسته اند (شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص: ۱۶) و معتقدند که مسلمان در برابر مرتد قصاص نمی شود (فیاض، ۱۴۲۶، توضیح المسائل، مسأله ۳۳۰۵) و دیه هم پرداخت نمی شود، بلکه فقط توسط حاکم شرع تعزیر می شود (خمینی، بی تا، ج ۴، ص: ۲۹۱).

طبق فقه حنفی نیز مسلمان در برابر قتل مرتد قصاص نمی شود «وَلَا يُقْتَلُ الْمُسْلِمُ بِالْمُرْتَدِّ لِعَدَمِ الْعِصْمَةِ أَصْلًا» (کاسانی، ج ۸، ص ۷۴. البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۲۳، ص ۶۳) چون شخص مرتد خودش محترم نیست.

### ۲-۶. قتل ذمی توسط مسلمان

در این مورد میان علمای شیعه و سنی اختلاف است که به صورت مفصل بحث شد فقهای حنفی قائل شده اند که مسلمان به خاطر قتل ذمی قصاص می شود (کاسانی، همان، ص ۷۷).

دلیل قصاص این است که ذمی تحت سیطره و حمایت حکومت اسلامی است اگر خودش حرمت نداشته باشد، دیگر قرار داد و پرداخت جزیه معنا ندارد، و کفار ذمی، در جامعه اسلامی احساس امنیت نخواهند کرد.

اما فقهای شیعه می گویند در صورتی که مسلمان، کافر ذمی را بکشد، چنانچه قاتل معتاد به قتل ذمی نباشد، قصاص نمی شود، به دلیل قاعده سلطنت، روایات و اجماع فقهای شیعه؛ اما اگر معتاد به قتل شده باشد، کشته می شود اما اینکه قتلش قصاص محسوب می شود یا نه اختلافی است.

اما اقوی از حیث سند و دلیل ثبوت قصاص است مطلقا ولو معتاد به قتل نباشد

### ۶-۳. قتل غیر ذمی توسط مسلمان

اگر مسلمانی کافر غیر از ذمی را بکشد (اعم از محارب، مستأمن و معاهد) در برابر قتل آنها علی المشهور، علاوه بر عدم قصاص، دیه هم پرداخت نمی‌شود (شبیری زنجانی ۱۴۳۰ ق، ص ۶۳۴).

علمای حنفی هم همین عقیده را دارند که مسلمان در برابر قتل کافر حربی قصاص نمی‌شود زیرا کافر حربی عصمت و احترامی ندارد (کاسانی، پیشین، ص ۷۶).

«فَلَا يُقْتَلُ مُسْلِمٌ وَلَا ذِمِّي بِالْكَافِرِ الْحَرْبِيِّ وَلَا بِالْمُرْتَدِّ لِعَدَمِ الْعِصْمَةِ أَصْلًا وَلَا بِالْمُسْتَأْمِنِ فِي ظَاهِرِ الرَّوَابِةِ؛ لِأَنَّ عِصْمَتَهُمَا ثَبَتَتْ مُطْلَقَةً بَلْ مُؤَقَّتَةً إِلَى غَايَةِ مَقَامِهِ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ» (کاسانی، پیشین، ج ۲۳، ص ۶۳).

مسلمان و ذمی به خاطر قتل کافر حربی، معاهد و کافر مستأمن و مرتد قصاص نمی‌شود چون از احترام و عصمت مطلقه برخوردار نیستند و عصمتشان موقتی است سرخسی می‌نویسد که مسلمان در برابر مستأمن قصاص نمی‌شود (لاستحسان (بیتا)، ج ۹، ص ۱۳۸).

از دیدگاه قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران که در این زمینه از دیدگاه غیر مشهور از فقهای شیعه تبعیت کرد است، مقرر شده که اگر مسلمان کافری را بکشد، هر چند قصاص منتفی است، اما باید در مقابل قتل تمام انواع کافر، علاوه بر تعزیر، دیه بپردازد، با دوش شرط:

- مقتول تابعیت کشور ایران را داشته باشد
- اگر تابعیت کشور خارجی دیگری را دارد؛ باید با روایت رسمی وارد ایران شده باشد (ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی و دو تبصره آن).

### ۶-۴. قتل مسلمان توسط مرتد ملی

اگر مرتد ملی مسلمانی را عمدًا به قتل برساند، با مطالبه اولیای دم، کشته می‌شود (بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۴۲).

### ۶-۵. قتل مسلمان توسط مرتد فطری

حکم این فرض، از قسم ۷ دانسته شد که قصاص می‌شود.

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۲۳

### ۶-۶. قتل مسلمان توسط کافر ذمی

در این صورت، ذمی و مالش تحویل وراثت مسلمان می‌شود و آنان مخیرند که قصاص نمایند، یا عفو نمایند یا به بردگی بگیرند و اگر مالی همراهش باشد، همراه با مالش به اولیای دم تحویل می‌دهند (حلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۹۶؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۲۷).

### ۶-۷. قتل مسلمان توسط کافر حربی

قصاص می‌شود (بہجت، همان، ص ۳۴۳).

### ۶-۸. قتل مسلمان توسط مستأمن

مستأمن در حکم ذمی است (بہجت، پیشین، ص ۴۰۴)، و با قتل مسلمان خودش، در اختیار اولیای دم قرار می‌گیرند، و بین قصاص دیه و استرقاق مخیر می‌باشند. علمای حنفی هم بر این عقیده اند که: «اذا قتل المستأمن مسلما وجب القصاص ولا مساواة» (طوری، بی تا، ج ۹، ص ۶۴).

### ۶-۹. قتل مسلمان توسط معاهد

معاهد حکم مستأمن را دارد.

### ۶-۱۰. قتل مرتد ملی، توسط مرتد فطری

اگر مرتد، مرتدی را بکشد مطلقا قصاص می‌شود چه فطری باشد یا ملی. «ویقتل المرتد بمثله مطلقا» (شمس الدین حلی، ۱۴۲۴؛ ج ۲، ص ۵۴۱). مرتد، مطلقا چه ملی و چه فطری در برابر قتل مرتد، قصاص می‌شود.

### ۶-۱۱. قتل ذمی توسط مرتد ملی

بیشتر فقهای شیعه قائل به قصاص شده اند (فیاض، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴۴). اگر مرتد (اعم از ملی و فطری)، ذمی را بکشد، قصاص می‌شود مگر این که بعد از کشتن به اسلام برگردد که در این صورت باید دیه بدهد (اسلامی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۹۱). علامه نیز در شرائع، قائل به قصاص است، «للتساوی فی الکفر والکفر کالملة الواحدة» (علامه حلی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۹۸).

مرحوم خوئی قصاص را اقوی می‌داند (خویی، ۱۴۱۰، تکملة المنهاج، ص ۷۳)؛ چون اطلاق ادله قصاص، مثل ان النفس بالنفس، شامل آن می‌شود و آنچه که از این عموم خارج است عنوان اسلام می‌باشد که در مقابل کافر قصاص نمی‌شود، اما اگر قاتل مسلمان نباشد مثل مرتد، احکام اسلام بر او جاری نمی‌شود و تحت اطلاق آیه باقی می‌ماند و مقتضایی آیه شریفه قصاص است چه ملی باشد یا فطری (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۸۱).

#### ۱۲-۶. قتل معاهد توسط مرتد فطری

در این مورد قصاص ثابت است، زیرا هر دو کافر می‌باشند، مثل اینکه دو ذمی یا دو معاهد همدیگر را بکشند، همانگونه که بین دو ذمی به لحاظ تساوی در غیر مسلمان بودن، قصاص ثابت می‌شود، در این مورد هم قصاص ثابت است، زیرا هیچ کدام مسلمان نمی‌باشند.

#### ۱۳-۶. قتل مستأمن توسط فطری

کافر مستأمن در حکم معاهد است و در این بحث قصاص ثابت است.

#### ۱۴-۶. قتل حربی توسط فطری

طبق نظر مرحوم آیت الله بهجت، قصاص نمی‌شود (ندایی، برابری دین در قصاص نفس و نقدی بر آن، سایت وکالت).

#### ۱۵-۶. قتل فطری توسط ملی

قصاص نمی‌شود مطلقاً چه ملی توبه بکند یا نکند (بهجت، همان، ج ۵، ص: ۳۴۳).

#### ۱۶-۶. قتل مرتد ملی توسط ذمی

کافر ذمی در برابر قتل مرتد فطری قصاص نمی‌شود (مرعی نجفی، همان، ص ۳۱۱). برخی از فقهای حنفی نیز همین نظریه را انتخاب کرده‌اند که کافر ذمی به خاطر قتل مرتد کشته نمی‌شود، همانگونه که مسلمان در برابر قتل مرتد کشته نمی‌شود، دلیل آن را می‌توان عدم حرمت خون مرتد دانست (زین الدین ابن ابراهیم، مصری، بی تا، ج ۲۳، ص ۶۳). اما بیشتر فقهای شیعه در این زمینه قائل به قصاص شده‌اند (فیاض، ۱۴۲۶، توضیح المسائل، (مسئله ۳۳۰۵)، عاملی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۹).

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۲۵

علامه در این مورد قائل به قصاص است «لأنه محقون الدم بالنسبة إلى الذمی» (حسین فرطوسی حویزی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۴۳۶).

مرحوم خوئی نیز قصاص را ثابت می‌داند (خوئی، همان).  
باتوجه به اینکه مرتد نیز کشتنش واجب است ولی کافر ذمی در ذمه کشور اسلامی به سر می‌برد و خونش احترامی بیشتری دارد، حکم به عدم قصاص سزاوار تر باشد.  
البته از طرفی وجوب قتل کافر برعهده حاکم شرع و مسلمانان است و کسی دیگری حق کشتن او را ندارد، بنابراین حکم به وجوب قصاص ذمی در برابر مرتد، بامبانی فقهی شیعه مطابقت بیشتری دارد اضافه براین که این حکم موافق برخی از مذاهب عامه نیز می‌باشد.

### ۱۷-۶. قتل فطری توسط معاهد

معاهد هم حکم ذمی را دارد

### ۱۸-۶. قتل فطری توسط مستأمن

اغلب فقها قصاص را ثابت می‌دانند

### ۱۹-۶. قتل فطری توسط حربی

به حکم صریح این صورت در کتب فقها دست نیافتیم؛ ولی به نظر می‌رسد قصاص ثابت باشد؛ زیرا هر دو غیر مسلمانند و هیچ یک حرمتی ندارند، همانگونه که حربی در مقابل حربی دیگر قصاص می‌شود، و مرتد به خاطر قتل مرتد دیگر قصاص باید شود.

### ۲۰-۶. قتل ذمی توسط فطری

قصاص می‌شود مگر اینکه بعد از قتل به اسلام برگردد که در این صورت قصاص نمی‌شود (سبزواری، مهذب الأحكام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۲۸، ص ۲۲۶؛ شیخ طوسی، الخلاف؛ ج ۵، ص ۱۷۱).

### ۲۱-۶. قتل معاهد توسط مرتد ملی

معاهد حکم ذمی را دارد و اقوی ثبوت قصاص است.

**۲۲-۶. قتل مستامن توسط مرتد ملی**

معاهد، حکم ذمی را دارد و قصاص را اقوی دانسته‌اند.

**۲۳-۶. قتل محارب توسط ملی**

نظر مرحوم بهجت قصاص نمی‌شود.

**۲۴-۶. قتل فطری توسط ذمی**

بسیاری از فقهای اهل بیت علیهم السلام، در این مورد قصاص را ثابت می‌دانند و قائل به عدم خلاف شده‌اند (شاهرودی، ۱۴۱۷، معجم فقه الجواهر، ج ۵، ص ۱۶).

**۲۵-۶. قتل ملی توسط معاهد**

معاهد، چون کتابی است حکم ذمی را دارد و به علت قتل ملی قصاص می‌شود،

**۲۶-۶. قتل ملی توسط مستامن**

مستامن حکم ذمی را دارد و به خاطر قتل مرتد ملی قصاص می‌شود (فیاض، توضیح المسائل، همان، (مسئله ۳۳۰۵)؛ عاملی، ۱۴۱۰، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية؛ ص ۲۶۹). هرچند مرحوم مرعشی نجفی قائل به عدم قصاص است (همان، ص ۳۱۱).

**۲۷-۶. قتل ملی توسط محارب**

حکم این صورت را در کتب فقهی نیافتیم؛ اما به نظر می‌رسد که قصاص ثابت باشد؛ زیرا هردو غیر مسلمانند.

**۲۸-۶. قتل ذمی توسط معاهد**

براساس فقه اهل بیت، مستامن و معاهد در برابر قتل ذمی قصاص می‌شوند همچنان ذمی در برابر قتل مستامن و معاهد.

« و یقتل الذمی بالمستامن و بالعکس » (حلی، ۱۴۲۲، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ج ۲، ص

۵۴۱).

اما طبق نظر ابوحنیفه، ذمی به خاطر قتل مستامن و معاهد قصاص نمی‌شود (سرخسی، ۱۴۱۴،



## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۲۷

۱۳۸/۹)، چون معاهد و مستامن نمی‌توانند بیش از یک سال در کشور اسلامی بمانند و لذا عصمتشان دائمی نیست.

اما می‌توان در نقد نظر ابوحنیفه بیان کرد که مستامن و معاهد نیز تازمانی که در کشور اسلامی هستند، خونشان محترم است (همان).  
ذمی نیز به خاطر قتل عمدی مستامن و معاهد قصاص می‌شود («و یقتل الذمی بالمستامن، و المستامن بمثله و بالذمی.») (علامه حلی، بیتا، ج ۳، ص: ۶۰۵).

### ۶-۲۹. قتل ذمی توسط مستامن

حکم صورت قبل را دارد

### ۶-۳۰. قتل محارب توسط ذمی

از نظر فقهی قصاص نمی‌شود چون حربی خونش مورد احترام نیست (شهاب الدین مرعشی، همان، ص ۳۰۱، علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام؛ ج ۳، ص: ۶۰۶).  
عده‌ای از فقهای حنفی نیز همین نظریه را تایید کرده اند (مرعشی، همان، ص ۳۰۱؛ علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام؛ ج ۳، ص ۶۰۶).

### ۶-۳۱. قتل ذمی توسط محارب

قصاص ثابت است (علامه حلی، قواعد الاحکام، همان)؛ چون ذمی مورد حمایت حکومت اسلامی است و خونش محترم می‌باشد، برخلاف محارب که شرعا احترامی ندارد.

### ۶-۳۲. قتل مستامن توسط معاهد

قصاص ثابت است (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴۷). چون هردو به صورت موقت در کشور اسلامی در امان می‌باشند و خون هردو به یک اندازه قابل احترام است

### ۶-۳۳. قتل معاهد توسط مستامن

حکم صورت قبل را دارد.

### ۳۴-۶. قتل حربی توسط معاهد

قصاص ثابت نمی‌شود، چون حربی قابل احترام نیست  
(و لا یقتل ذمی و لا ذو عهد بحربی) (حلی، ۱۴۲۴، معالم الدین، فی فقه آل یاسین؛ ج ۲، ص: ۵۴۱)

ذمی و صاحب عهد (اعم از معاهد و مستأمن) به خاطر قتل محارب قصاص نمی‌شود.  
احناف نیز همین عقیده را دارند: «وَأِنَّمَا لَا یُقْتَلُ ذُو الْعَهْدِ بِالْكَافِرِ الْحَرْبِيِّ» (سرخسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳۹).

صاحب عهد (اعم از معاهد و مستأمن) به خاطر قتل کافر حربی کشته نمی‌شود.

### ۳۵-۶. قتل معاهد توسط حربی

حربی در برابر قتل معاهد قصاص می‌شود؛ زیرا معاهد هرچند به طور موقت تحت الحمایه کشور اسلامی است و خونش محترم می‌باشد، برخلاف محارب که احترامی ندارد.

### ۳۶-۶. قتل محارب توسط مستأمن

قصاص ثابت نیست و حکم معاهد را دارد

### ۳۷-۶. قتل مستأمن توسط محارب

قطعا قصاص می‌شود؛ زیرا خون مستأمن محترم است.

### ۳۸-۶. قتل مستأمن توسط مستأمن

فقهای شیعه و حنفی معتقدند که در این مورد قصاص ثابت است «و یقتل المستأمن بمثله» (حلی، ۱۴۲۴، معالم الدین فی فقه آل یاسین؛ ج ۲، ص ۵۴۱).  
احناف نیز قصاص را در این مورد قائل شده اند (سرخسی، مبسوط، ج ۹، ص ۱۳۶؛ بدائع الصنائع جزء ۱۶، ص ۲۸۷).

در کتاب التیسیر فی فقه الحنفی آمد است:

لا یقتل مسلم بمستأمن و لا ذمی بمستأمن بل هو بمثله قیاسا للمساواة (صاغر جی، بیتا، التیسیر فی الفقه الحنفی، بیروت، دارالکلم الطیب، ص ۳۸۳).

## واکاوی فقهی قصاص انواع کافر\* ۲۹

مسلمان و ذمی به خاطر قتل کافر مستأمن قصاص نمی‌شود و مستأمن هم به خاطر قتل مستأمن قصاص نمی‌شود به دلیل قیاس مساواة.

### ۶-۳۹. قتل معاهد، توسط معاهد

معاهد نیز حکم مستأمن را دارد.

### ۶-۴۰. قتل مرتد، توسط مرتد

اگر مرتد، مرتدی را بکشد مطلقاً قصاص می‌شود چه فطری باشد یا ملی.  
«و یقتل المرتد بمثله مطلقاً» (حلی، ۱۴۲۴، معالم الدین فی فقه آل یاسین؛ ج ۲، ص ۵۴۱).  
مرتد، مطلقاً چه ملی و چه فطری در برابر قتل مرتد، قصاص می‌شود.  
اما مرحوم بهجت فومنی قصاص راساقط می‌داند و تنها قائل به حرمت تکلیفی است (ندایی، برابری دین در قصاص نفس و نقدی بر آن، سایت وکالت).

### ۶-۴۱. قتل حربی، توسط حربی.

کافر محارب در برابر قتل کافر محارب دیگر قصاص می‌شود (بهجت، همان، ج ۵، ص: ۴۰۴)

گرچه عده‌ای از فقهای اهل بیت را اعتقاد بر این است که حربی به خاطر کشتن حربی دیگر، قصاص نمی‌شود (حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام؛ ج ۳، ص ۶۰۶)، شاید به خاطر این است که خون حربی احترامی ندارد.

### ۶-۴۲. قتل کافر ذمی به عمد توسط ذمی دیگر

فقهای شیعه در این مورد قصاص را ثابت می‌دانند (فیاض، ۱۴۲۶، توضیح المسائل، (مسأله ۳۲۹۵)، ص ۶۸۶) و براساس مبانی فقهی در این مورد قصاص ثابت است ولو دینشان متفاوت باشند (طباطبائی، ۱۴۱۱، ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۲۴۵).

مستند این دیدگاه روایتی است که از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است:  
«أنَّ أمير المؤمنين (عليه السلام) كان يقول: يقتصّ لليهودی و النصرانی و المجوسی بعضهم من بعض، و یقتل بعضهم ببعض إذا قتلوا عمداً» (عاملی، بی‌تا، ۲۹: ۱۱۰ أبواب القصاص فی النفس ب

۴۸ ح ۱).

یهودی، مسیحی و مجوسی به خاطر قتل عمدی همدیگر قصاص می‌شوند.

این حدیث اعم است و مورد قتل ذمی را شامل می‌شود.

در این مورد ق. م. ا مقرر می‌دارد که:

ذمی در برابر ذمی دیگر قصاص می‌شود ولو هر کدام پیرو یک دین خاص باشند (قانون

مجازات اسلامی، ماده ۲۱۰).

در این قسم که ذمی، ذمی را کشته است، قصاص متعین نیست؛ بلکه ولی دم بین قصاص،

عفو و دیه مخیر است.

فقه‌های حنفی در مورد قتل ذمی به دست ذمی، قصاص را ثابت می‌دانند، للمساواة فی

الدین (سرخسی، همان، ص ۱۳۶).

## ۷. نتیجه

با بررسی آیات و روایات و نقد ادله مخالفان قصاص مسلمان در برابر کافر ذمی، به این

نتیجه می‌رسیم که در فرض بحث، مسلمان در برابر ذمی قصاص می‌شود مطلقاً چه اعتیاد به

قتل کافر ذمی پیدا کرده باشد یا خیر

ادله این نظریه:

۱. آیات قرآن کریم است که تفصیل داده نشده است و شامل قصاص مسلمان در برابر ذمی

نیز می‌شود

۲. روایات مثبت این نظریه بر روایات دیگر مقدم می‌شود چون مرجح دارند.

۳. از نگاه عقلی نیز کافری که تحت الحمايه کشور اسلامی است قاتلش باید قصاص شود

وگرنه نقض غرض لازم می‌آید.

در نهایت دیدگاه فقه‌های حنفیه مؤید نظریه فقه‌های شیعه است و هر دو در این مورد قائل به

قصاص می‌باشند.

## ۸. فہرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن قدامہ، عبداللہ بن احمد (۱۴۰۵)، مغنی. بیروت: دارالفکر.
۲. بروجردی طباطبائی، آقا حسین (۱۴۲۹). منابع فقہ شیعہ. تہران: فرہنگ سبز.
۳. بہجت، محمد تقی. (۱۴۲۶). جامع المسائل. قم: دفتر معظم لہ.
۴. جصاص، احمد. (۱۴۰۵). احکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. حسینی عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹). مفتاح الکرامۃ فی شرح قواعد العلامۃ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن. (۱۴۲۴). معالم الدین فی فقہ آل یاسین. قم: مؤسسہ امام صادق.
۷. حلّی، ابن ادريس. (۱۴۱۰). السرائر. قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۱۰.
۸. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳). قواعد الأحکام فی معرفۃ الحلال و الحرام. قم: جامعہ مدرسین.
۹. حویزی، حسین فرطوسی. (۱۴۱۶). التوضیح النافع فی شرح ترددات صاحب الشرائع. قم: جامعہ مدرسین.
۱۰. خمینی، روح اللہ (۱۴۲۵). تحریر الوسیلہ (مترجم علی اسلامی). قم: جامعہ مدرسین.
۱۱. -- (۱۴۰۴). زبده الأحکام. تہران: سازمان تبلیغات.
۱۲. -- (بی تا). تحریر الوسیلہ. قم: مؤسسہ مطبوعات دار العلم.
۱۳. -- (۱۴۲۴). توضیح المسائل محشی. قم: جامعہ مدرسین.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲). مبانی تکملہ. قم: إحياء آثار الإمام.
۱۵. -- (۱۴۱۰). تکملۃ المنہاج. قم: نشر مدینۃ العلم.
۱۶. رازی، ابوالفتوح. (۱۴۰۸). تفسیر روض الجنان. مشهد: آستان قدس.
۱۷. راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۵). فقہ القرآن. قم: انتشارات کتابخانہ مرعشی.
۱۸. سبزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳). مہذب الأحکام. قم: مؤسسہ المنار.

## ۳۲ \* فصلنامه علمی نسیم کوثر / زمستان ۱۴۰۱ / شماره ۷

۱۹. سرخسی، ابوبکر محمد ابن احمد. (۱۴۲۲). المبسوط. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. سیوری حلّی، مقداد بن عبد الله. (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۴۳۰). رساله توضیح المسائل: قم. سلسبیل.
۲۲. شعرانی، ابو الحسن. (۱۴۱۹). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. تهران: اسلامیة.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۰). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. بیروت: دارالتراث.
۲۴. شیخ صدوق. (۱۴۱۵). المقنع، قم: مؤسسه امام هادی.
۲۵. -- (۱۳۸۷). مبسوط. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۶. -- (۱۴۰۷). الخلاف. قم: جامعه مدرسین.
۲۷. شیخو، محمد امین. (بی تا). درر الاحکام. بی جا: بی نا.
۲۸. شیخی زاده، عبدالرحمن ابن محمد. (۱۴۱۹). مجمع الانهر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. صاغر جی، اسعد محمد سعید. (بی تا). التیسیر فی الفقه الحنفی. بیروت: دارالکلم الطیب.
۳۰. صاقلی گلپایگانی، علی. (۱۴۲۷). ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی. قم: گنج عرفان.
۳۱. طباطبایی بروجرى، آقا حسین. (۱۴۲۹). منابع فقه شیعه. (مترجمان حسینان قمی، مهدی؛ صبوری، م). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۳۲. طباطبایی حائری، سید علی. (۱۴۱۸). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین. (بی تا). المیزان (ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی). بی جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۵. طبسی، نجم الدین. (بی تا). حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام. قم: بوستان کتاب.
۳۶. طوری، عبدالقادر ابن عثمان. (بی تا). تکمله البحر الرائق شرح کنز الدقائق. بیروت:

داراحیاء التراث العربی.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
۳۸. عاملی، سید محمد حسین. (۱۴۲۷). الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.

۳۹. علامه حلی (۱۴۲۰). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق

۴۰. -- (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان

۴۱. -- (۱۴۱۳). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: جامعه مدرسین.

۴۲. علامه مجلسی، محمد باقر. (بی تا). حدود، قصاص، دیات. تهران. نشر آثار اسلامی.

۴۳. فیاض، محمد اسحاق. (۱۴۲۶). توضیح المسائل. قم: مجلسی.

۴۴. فیاض، محمد اسحاق. (بی تا)، منهاج الصالحین. قم. بی نا.

۴۵. قانون جزایی افغانستان، ماده ۱.

۴۶. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۱۰.

۴۷. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت.

۴۸. کاسانی، ابوبکر ابن مسعود. (۱۴۲۰). بدائع الصنائع. بیروت: دارالمعرفه.

۴۹. کاشانی فیض، محمد حسن. (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه مرعشی.

۵۰. کاشف الغطاء، جعفر. (۱۴۲۲). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: دفتر تبلیغات.

۵۱. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱). فقه الإمام الصادق علیه السلام. قم: انصاریان.

۵۲. نجفی مرعشی، سید شهاب الدین. (۱۴۱۵). القصاص علی ضوء القرآن و السنة. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.

۵۳. ندایی، رضا. (بی تا). برابری دین در قصاص نفس و نقدی برآن. بازیابی شده در تاریخ // از: سایت وکالت

۵۴. هاشمی، سید محمود. (۱۴۱۷). معجم فقه الجواهر. بیروت: الغدير.





# Nasim Kowsar

## Scientific Quarterly



- Jurisprudential analysis of retribution of infidel types
- Jurisprudence and legal examination of the criterion of intentional murder
- Punishment for starting a crime from the perspective of the relevant laws of Iran and Afghanistan
- Social justice in the thought of martyr Motahari
- Jurisprudential and legal analysis of the nature of verb condition in electronic contracts
- Ignorance and its consequences in the Quran
- Comparison and proportionality of jurisprudence and ethics